

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1429



## تقدیم به:

پدرم، اُسوه ی تلاش و مادرم اُسوه ی گذشت که همواره شمع وجودشان  
چراغ راه زندگی ام بوده، باشد تا گوشه ای کوچک از دریای بیکران  
ایثارشان را پاس بدارم.

به خواهرانم، اُسوه ی امید و برادرانم، اُسوه ی صفا که محبت ها و  
صمیمیت های شان را در لحظه لحظه های زندگی ام از خاطر نمی برم.

و تقدیم به تمامی کسانی که با خردورزی و عشق برای انسانیت تلاش می  
کنند.

## تقدیر و تشکر

بر خود واجب می‌دانم از جناب آقای دکتر محمدرضا خضری استاد راهنمای رساله که با راهنمایی‌های ارزنده و کارآمد خویش در تمامی مراحل انجام پایان‌نامه نهایت همکاری را داشته کمال تشکر و قدر دانی را داشته باشم و همچنین از جناب آقای دکتر محمد ابراهیم خلیفه شوشتری استاد مشاور رساله که با نکته سنجی و دقت نظرهای خویش برای به سر انجام رسیدن پایان‌نامه، که از کوچکترین مساعدت به این بنده حقیر دریغ نکرده، نهایت سپاس و تشکر را دارم و امیدوارم که هر دو ایشان در مراحل زندگی نیز همچنان موفق و موید باشند.

همچنین از اساتید محترم گروه آقایان دکتر، بهاری، رسولی، رضایی، فیصل الله زاده، از مساعدت و همکاری‌شان کمال تشکر دارم.

از همکاری و مساعدت هم کلاسی‌ها و دوستان و سروران نیز کمال تشکر را دارم.

## چکیده

این تحقیق با عنوان مرجع الضمیر حقیقه و دوره الوظيفی فی الدرس النحوی می باشد، ضمیر از جمله مواردی است که کوفی ها و بصری ها در آن باهم اختلاف نظر دارند. کوفی ها به آن کنایه و بصریها به آن ضمیر می گویند و به نظر ما نظر بصریها صحیح تر است. در این تحقیق از روش کتابخانه ای بهره گرفته ایم و با مراجعه به کتب و منابع مختلف نتایج زیر به دست آمد:

۱. ضمیر و مرجع آن از جمله مواردی می باشند که در زبان و ادبیات عربی کاربرد فراوان دارند.
۲. ضمیر برای اختصار جمله و جلوگیری از تکرار بیش از اندازه ی اسم به کار می رود.
۳. ضمیر به عنوان رابط بین جملات عربی قرار می گیرد.
۴. ضمیر و مرجع آن در جمله نقش های اعرابی گوناگونی را ایفا می کنند.
۵. مرجع در اصل باید معرفه باشد اما موارد زیادی یافت می شود که مرجع نکره است.
۶. مرجع ضمیر و ضمیر مکمل یکدیگرند و وجود یکی از آنها بدون دیگری بی فایده می باشد.
۷. اگر مرجع ضمیر نکره باشد ضمیر نیز نکره است.

واژه های کلیدی: ضمیر، مرجع ضمیر، رابط، معرفه، نکره

فهرست موضوعات.....	صفحه
فصل اول: کلیات.....	۱
طرح مسأله.....	۲
اهمیت موضوع.....	۳
هدف تحقیق.....	۴
پیشینه ی تحقیق.....	۴
روش تحقیق.....	۷
فصل دوم: جمله و ساختار آن و مکاتب نحوی.....	۸
جمله و ساختار آن.....	۹
اقسام جمله به اعتبار تسمیه.....	۱۰
اقسام جمله از نظر اسلوب.....	۱۰
جمله هایی که محلی از اعراب دارند.....	۱۷
جمله هایی که محلی از اعراب ندارند.....	۱۸
تعریف صرف و نحو.....	۱۹
موسس علم نحو.....	۲۰
چگونگی پیدایش علم نحو.....	۲۱
مکاتب علم نحو.....	۲۲
مکتب بصره.....	۲۲
طبقات نحویون بصره.....	۲۳
مکتب کوفه.....	۲۸

۲۸.....	طبقات نحویون کوفه
۳۲.....	مکتب بغداد
۳۲.....	مشهورترین نحویون بغداد
۳۳.....	مکتب مصر
۳۳.....	طبقات نحویون مصر
۳۵.....	مکتب اندلس
۳۷.....	فصل سوم: ضمیر
۳۸.....	معانی لغوی ضمیر
۳۸.....	معانی اصطلاحی ضمیر
۳۹.....	انواع ضمیر
۳۹.....	ضمیر بر حسب مدلول
۴۰.....	ضمیر بر حسب ظهور و عدم ظهور
۴۴.....	انواع ضمیر بر اساس ساختار ترکیبی آن
۴۴.....	نظر نحویون درباره ی ایّاک
۴۵.....	نظر نحویون درباره ی الف و واو
۴۵.....	فرق ضمیر با کنایه
۴۶.....	فایده ی ضمیر
۴۶.....	رتبه صیغه ی ضمائر
۴۸.....	جدول ضمائر
۴۹.....	انواع ضمائر دیگر
۵۰.....	ضمیر مالکیت

۵۱.....	ضمیر فصل
۵۱.....	فایده ی ضمیر فصل
۵۵.....	ضمیر شأن
۵۶.....	ضمیر مجهول
۵۷.....	ضمیر به عنوان رابط
۵۷.....	ضمیر به عنوان رابط بین موصول و صله
۵۹.....	مواضعی که ضمیر رابط بین صله و موصول می تواند حذف شود
۶۲.....	ضمیر به عنوان رابط بین مبتدا و خبر
۶۵.....	ضمیر به عنوان رابط بین حال و صاحب حال
۶۶.....	ضمیر به عنوان رابط بین صفت و موصوف
۶۸.....	ضمیر به عنوان رابط بین بدل و مبدل منه
۶۸.....	ضمیر به عنوان رابط بین صفت مشبیه و معمول آن
۶۹.....	ضمیر به عنوان رابط بین اسم شرط مرفوع به ابتدا و جواب آن
۶۹.....	ضمیر به عنوان رابط بین موکد و تاکید معنوی
۷۰.....	ضمیر به عنوان رابط بین جمله مضاف الیه و مضاف
۷۰.....	اعراب گوناگون ضمیر
۷۱.....	موارد اعراب وجوبی ضمیر مستتر به عنوان فاعل
۷۵.....	ضمیر بعداز عسی و لولا
۷۵.....	موارد جواز آوردن ضمیر منفصل
۷۶.....	موارد منفصل وجوبی
۷۸.....	فرق ضمیر مستتر با محذوف

۷۹.....	دلیل مبنی بودن ضمیر.....
۸۰.....	شواهد ضمیر .....
۸۲.....	رتبه ضمائر نسبت به معارف دیگر.....
۸۳.....	تطبیق بین ضمیر فارسی و عربی.....
۸۵.....	بحث اشتغال.....
۸۵.....	مسأله زنبوریه.....
۸۷.....	فصل چهارم: مرجع ضمیر.....
۸۸.....	معانی لغوی مرجع.....
۸۸.....	معانی اصطلاحی مرجع.....
۸۹.....	مرجع ضمیر.....
۹۱.....	تعدد مرجع.....
۹۳.....	تطابق بین مرجع و ضمیر.....
۹۶.....	اعراب مرجع ضمیر.....
۹۷.....	در مواردی که از ذکر لفظ صاحب ضمیر بی نیازیم.....
۹۹.....	در مواردی که جایز است ضمیر از نظر لفظ و رتبه به مابعد برگردد.....
۱۰۵.....	مشخص کردن ضمائر و مراجع آن در چند آیه ی سوره ی محمد.....
۱۱۱.....	فصل پنجم: مسائل جدید درباره ی ضمیر و مرجع آن.....
۱۱۲.....	مرجع ضمیر مفرد است یا جمله.....
۱۱۲.....	چگونگی معرفه و نکره بودن مرجع و تاثیر آن بر ضمیر.....
۱۱۳.....	اسم مبهم.....
۱۱۴.....	مسأله نیازمندی مرجع و ضمیر به یکدیگر.....

۱۱۵.....	اختصاص
۱۱۸.....	مواردی از اختلاف نحویون درباره ی مرجع
۱۲۲.....	نتیجه
۱۲۳.....	منابع و مراجع
۱۲۶.....	فهرست آیات
۱۳۱.....	فهرست اشعار

## مقدمه

سرآغاز سخن را با حمد و ستایش از خداوند متعال شروع می‌نماییم زیرا که خود ایشان کتاب گرانمایه اش را برای هدایت انسانها با حمد و ستایش با این آیه آغاز نموده ( اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ) (الفاتحه: ۱) و آغاز خلقتش را نیز با این آیه ( اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ) (انعام: ۱) بیان می‌نماید. زبان عربی در ردیف زبانهای زنده دنیا قرار می‌گیرد که زبان رسمی حدود پنجاه کشور جهان می‌باشد، هرچند که در حال حاضر عنوان زبان اولی بین المللی را دارا نمی‌باشد اما در زمان های گذشته عنوان زبان اولی را دارا بوده و دانشمندان و عالمان بزرگ یافته های علمی خود را به زبان عربی به رشته تحریر در می‌آوردند. از جمله علمی که از علوم زیربنایی ادبیات عرب به حساب می‌آید علم نحو است. این علم نیز مانند سایر علوم در حال تکامل و پیشرفت بوده و کتابهای متعددی در ارتباط با آن تالیف یافته است که در یک تقسیم بندی کلی می‌توان کتب تدوین شده در این علم را به سه دسته تقسیم بندی نمود:

۱. کتب مرحله مقدماتی، چون شرح العوامل، کتاب الهدایه و شرح الصمدیه

۲. کتب مرحله متوسطه، چون شروح الالفیه

۳. کتب مرحله عالی و تخصصی، چون مغنی اللیبب والکتاب سیبویه.

هرچند مطالعه و تحقیق در علم نحو به تلاش و پشتکار و علاقه وافر نیاز دارد اما فرو رفتن در عمق مسائل نحو به جوینده این دانش لذت و اشتیاق فراوان مبدول می‌دارد و به دلیل اینکه ، قواعد تدوین شده این علم تا حدودی لازم و ملزوم همدیگرند باعث می‌شود تا یز و هشگر تنها به تحقیق در یک موضوع اکتفا نکند و بعد از اتمام پرداختن به یک موضوع ، موضوعات دیگر را نیز بررسی و مطالعه کند.

فصل اول:

کلیات تحقیق

## طرح مسأله

دو علم صرف و نحو از جمله علوم ادبیات عرب می باشند که برای جلوگیری از اشتباه و خطای متکلم در گفتار زبانی، شناخت جملات درست از نادرست، بنا نهادن اصول و قواعد، درک و فهم و دریافت دقیق مخاطب، نیاز مسلمانان غیرعرب به فراگیری زبان عربی، برای درک معانی قرآن و حدیث و پرهیز از خطاهای خوانندگان کتب عربی تدوین یافته اند. این علوم، علمی نیستند که با گذشت زمان و تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی در ساختار و اصول آنان تغییر صورت گیرد، هرچند که ممکن است شرایط طبیعی مردمان بانی این علوم، هرچند اندک در تدوین آنها دخالت داشته باشد، اما تاثیر گذارترین عوامل در به وجود آمدن این علوم، قرآن کریم و در کنار آن مردمانی که به این زبان سخن گفته اند، بوده اند دارای سهم فراوانی یعنی این چنین است که برای هر مبحث و موضوعی در صرف و نحو، شرایط و علل خاص، وضع کرده اند. به عنوان مثال مشخص کرده اند، اسمی که فاعل یا مفعول قرار می گیرد باید دارای چه شرایط و خصوصیات باشد، یا در صرف اسمی که از مفرد به مثنی و جمع تغییر وضعیت پیدا می کند، شرایط و دلایل خاص مربوط به آن معین و مشخص شده است. اما بعضی از مسایل و موضوعات در این علوم وجود دارند که علمای صرف و نحو در باره آن اختلاف نظرهای فراوانی با هم دارند، از جمله این مسائل جایگاه مرجع ضمیر در جمله می باشد که قاعده اصلی در مرجع ضمیر (به جهت اطلاق صحیح ضمیر بر آن) باید قبل از ضمیر آورده شود تا بتوان به نحو احسن به کاربرد آن پی برد. اما در بعضی از مواقع و خیلی جاها هستند که بعد از ضمیر آورده شده اند و از کاربرد آنها نکاسته است و این نیاز به دلیل و علت دارد و در این مواضع، مواضعی که مرجع بعد از ضمیر قرار می گیرد، صرفیون و نحوین، قاعده وضع کرده اند و دلیل آورده اند. ولی مسأله اصلی این جاست که در بعضی از سخنان اعراب مرجع بعد از ضمیر آورده شده و اطلاق نیز بر آن صورت گرفته و برای آن قاعده خاص و مختص به آن وضع ننموده اند و دلیل نیاورده اند و در بعضی وقتها مرجعی در کار نیست که ضمیر به آن اطلاق داده شود. در این تحقیق سعی بر این داریم که در حد توان به سوالات زیر پاسخ دهیم:

۱. آیا مرجع ضمیر و ضمیر، در تمام حالات، نقش اعرابی می گیرند یا نه؟

۲. ضمیر در چه جاهایی به عنوان رابط در جمله قرار می گیرد؟
۳. ضمیر از چه جهاتی باید با مرجع خود مطابقت داشته باشد و روابط حاکم بر ضمیر و مرجع چیست؟
۴. مرجع ضمیر در چه جاهایی می تواند به صورت جوازی، از نظر لفظ و رتبه بعد از ضمیر قرار گیرد؟
۵. آیا شواهدی وجود دارد که مرجع ضمیر از نظر لفظ و رتبه بعد از ضمیر قرار گرفته باشد و برای آن جوازی هم درکار نباشد؟
۶. ضمیر چه نیازی به مرجع دارد و رابطه ی این نیازمندی چگونه است؟
۷. زمانی که مرجع نکره است ضمیر معرفه است یا نکره؟
۸. مرجع ضمیر مفرد است یا جمله؟
۹. آیا ضمیر مخاطب و متکلم نیز می توانند مبهم باشند؟

## اهمیت موضوع

بعضی از علمای معاصر علم نحو می پندارند که نحو جدید این است که باید تغییرات اساسی در قواعد علم نحو صورت بگیرد و منظور آنان از این تغییرات، این می باشد که باید بعضی از مباحث و موضوعات را در علم نحو حذف نمود. و خود برای حذف آن دلیل می آورند و بر آن اسم نحو جدید یا ساده اطلاق می کنند. در حالی که منظور از نحو جدید این است که باید با توجه به متون نظم و نثر عربی فصیح، که در اختیار ماست؛ آنرا عمیقانه، مورد کنکاش و بررسی قرار داد و در آن قواعد جدید کشف نمود. یکی از این موضوعات که نیاز به بحث و بررسی دارد، و ما قصد تحقیق در این موضوع را داریم؛ این است که این امکان وجود دارد بگوییم که مرجع ضمیر جایز است بعد از ضمیر قرار گیرد هم از نظر لفظ و هم از نظر رتبه. و ضمیر و مرجع آنقدر، دارای اهمیت می باشند که در متون نظم و نثر عربی فصیح کمتر جمله ای پیدا می شود که از مرجع و ضمیر در آن استفاده نشده باشد؛ بلکه برای

اختصار جملات عربی مرجعی را ذکر می کنند و به دنبال آن ضمیر را ذکر می کنند و بسته به طول کلام یک مرجع می تواند ضمایر بسیاری به آن ارجاع داده شود.

## هدف تحقیق

هر تحقیق و پژوهشی خواه یا ناخواه، هدفی را دنبال می کند و این هدف بسته، به نوع تحقیق و موضوع و شرایطی که تحقیق در آن صورت می گیرد، این هدف نیز تغییر می کند. هدف ما در این تحقیق، بررسی دو واژه ی ( مرجع ) و ( ضمیر ) به صورت جامع و آسان نمودن پیچیدگی این موضوع برای دانشجویان رشته ی عربی و علاقه مندان به علم نحو می باشد و ما قصد داریم این کار را از طریق کتب مختلف نحوی که نوشته شده و به رشته تحریر در آمده اند انجام دهیم. هدف نهایی ما از بررسی دو، واژه ی ( مرجع ) و ( ضمیر ) تنها شناخت قواعد مربوط به این دو کلمه، که نحویان براساس زبان مردم عرب وضع کرده اند؛ نیست. بلکه ما این قواعد را از آن جهت مورد بررسی قرار می دهیم، که بتوانیم در حد توان راز های کشف نشده و موارد خارج شده، از این قواعد را برای طالبان این علم آشکار و نمایان سازیم.

## پیشینه ی تحقیق

علم نحو از جمله ی علوم می باشد که کتابهای متعددی در این علم تالیف یافته اند. اما می توان گفت که بیشتر این کتابها، از یک اصل و ریشه نشات گرفته اند و بیشتر کتابهایی که بعد از کتاب سیبویه نوشته اند؛ بیشتر به شرح و توضیح این کتاب پرداخته اند و مواد اولیه کتاب خود را از کتاب گرفته اند. و خیلی از این نحوین در این علم حتی نظرات شخصی خود را وارد کرده اند و آن را مدون ساخته اند. موضوعی، که ما در اینجا برای تحقیق انتخاب کرده ایم. از جمله موضوعاتی می باشد که ما به مقاله یا پایان نامه ای که در این موضوع کار شده باشد دست پیدا نکردیم. هر چند که اکثر کتب نحوی، موضوع ضمیر را مورد بررسی کرده اند. اما بحثهایی که مربوط به مرجع ضمیر و ارجاع ضمیر به مرجع خود باشد؛ جز در در اندک کتب نحوی یافت نمی شود. از جمله این کتابها به شرح زیر می باشد:

۱. الاشباه و النظائر فی النحو، تالیف امام جلال الدین السیوطی<sup>۱</sup> می باشد که ایشان در این کتاب، توضیح مختصری درباره ی ضمیر و ذکر مواردی که ضمیر از نظر لفظ و رتبه به مابعد برمی گردد؛ آورده اند.

۲. کتاب الجمل فی النحو، اثر خلیل ابن احمد فراهیدی<sup>۲</sup> می باشد که ایشان تنها ضمائر را ذکر کرده و برای آنان مثال ذکر کرده است.

۳. کتاب شرح ابن عقیل، اثر قاضی القضاة بهاء الدین عبدالله بن عقیل الهمدانی المصری<sup>۳</sup> می باشد که ایشان در این کتاب، درباره ی معنای ضمیر، تقسیم ضمیر به بارز و مستتر، تقسیم ضمیر بارز به متصل و منفصل، مبنی بودن ضمیر و مواضعی که جایز است ضمیر متصل یا منفصل بیاید بحث کرده است.

۴. در کتاب مغنی اللیب، اثر جمال الدین ابن هشام انصاری<sup>۴</sup>، به ذکر مواضعی، که ضمیر از نظر لفظ و رتبه به مابعد خود ارجاع داده می شود و همچنین شرح ضمیر فصل و عماد پرداخته است.

۵. کتاب الانصاف فی مسائل الخلاف، اثر الشیخ الامام کمال الدین ابی البرکات عبدالرحمن ابن محمد ابن ابی سعید الانباری النحوی<sup>۱</sup>، به مسائل خلاف بین کوفیون و بصریون در

---

۱. شب یکشنبه اول رجب سال ۸۴۹ق در مغرب به دنیا آمد و بدون پدر پرورش یافت و در ۸ سالگی قرآن را حفظ کرد و نحو را از شمنی و سیرامی و کافجی فرا گرفت و در روز پنج شنبه نهم ماه جمادی الاول سال ۹۱۱ وفات یافت.

۲. او در سال ۱۰۰ق در در بلده و دام الساحل در ولایت مصنعه از سلطنت عمان به دنیا آمد و گفته می شود که پدرش اولین کسی بوده است که بعد از پیامبر احمد نامیده شده است و در سال ۱۷۰ق وفات یافت و در بصره به خاک سپرده شد.

۳. در روز جمعه نهم محرم سال ۷۰۸ق در حلب به دنیا آمد و در شب چهارشنبه سیزدهم ربیع الاول سال ۷۶۹ق وفات یافت و در نزدیکی قبر امام شافعی به خاک سپرده شد.

۴. روز شنبه پنجم ذی القعدة، سال ۷۰۸ق در قاهره به دنیا آمد نحو را از عبد اللطیف بن المرغل فرا گرفت و در شب جمعه پنجم ماه ذی القعدة در سال ۷۶۱ق دار فانی را وداع گفت و در قاهره به خاک سپرده شد.

مسائلی چون: هو وهی هر دو ضمیر منفصل هستند درحالی که جایز نیست؛ ضمیر منفصل یک حرفی باشد. و اینکه اصل در ضمیر ایاک چه می باشد؟ و بحث درباره ی ضمیر فصل و موضوعات دیگری از این دست پرداخته است.

۶. کتاب النحو الوافی، اثر عباس حسن به بحث (مرجع) و (ضمیر) پرداخته و مسائلی همچون : ضمیر فصل، ضمیر شأن، معنای ضمیر اصلی و فرعی ، ضمیر مفرد و مرکب ، معنای تقدم مرجع در لفظ و رتبه ، بازگشت ضمیر به ما بعد و تطابق بین مرجع و ضمیر پرداخته است.

اما این کتاب درباره ی مسائلی چون: رتبه معرفه بودن ضمیر در بین معارف ، معرفه و نکره<sup>۵</sup> بودن مرجع، مفرد و جمله بودن مرجع، مبهم بودن ضمیر مخاطب و متکلم، جایگاه مرجع در جمله نسبت به ضمیر و نیازمندی ضمیر و مرجع به یکدیگر بحث نکرده اند که ما در اینجا قصد داریم به تحقیق در این مسائل بپردازیم.

---

۱. در ماه ربیع الثانی سال ۵۱۳ق در انبار به دنیا آمد نحو را از ابن شجری و ادب را از جوالیقی آموخت و در مدرسه نظامیه درس خواند و در نهم شعبان سال ۵۷۷ق در بغداد وفات یافت.

## روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق و در راستای اهداف پژوهش و سؤالاتی که مطرح شده است، از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در این روش کتابهای معتبر مربوط موضوع، را مورد مطالعه و بررسی قرار داده ایم و مباحثی که مربوط به تحقیق ما بوده اند، مورد استفاده قرار داده ایم. با توجه به اینکه موضوعات نحوی، موضوعاتی، مشکل و طاقت فرسا هستند در ایران استادان اندکی پیدا می شوند، که به تحقیق در این موضوعات بپردازند و مقالات متعدد چاپ کنند. لذا مبنای کار ما، کتاب و کتابخانه بوده است. وبخاطر اینکه داده های ما براساس داده های تئوری می باشد، ما از نوع تحقیق بنیادی مدد گرفته ایم.

## فصل دوم:

جمله و ساختار آن و مکاتب نحوی

## جمله و ساختار آن

جمله عبارت از فعل و فاعل مانند: (قام زید) و مبتدا و خبر مانند: (زید قائم) و هر آنچه که به منزله یکی از این دو باشد جمله می گویند. مانند: (ضرب اللص)، (أقام الزیدان)، (کان زید قائماً) و (ظننته قائماً).

بسیاری از مردم فکر می کنند که جمله و کلام، مترادف هم هستند و دارای یک معنا می باشند. در صورتی که این چنین نیست، زیرا تعریف کلام عبارت است از: سخنی مفید با قصد و اراده ی معنایی خاص می باشد. و منظور از مفید، آن است که بر معنایی دلالت می کند که بعد از آن سکوت حاصل می شود. در حالی که جمله عام تر از کلام می باشد. زیرا هر کلامی باید جمله باشد، اما بعضی از جملات هستند، که نمی توانند کلام قرار گیرند، چون مفید نمی باشند و بر معنایی که بعد از آنها سکوت حاصل شود؛ دلالت نمی کنند، مانند جمله شرط و جمله صله. با این گزارش ما با مثالی از قرآن، فرق بین جمله و کلام را توضیح می دهیم. در آیات زیر (ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءَ وَالسَّرَّاءَ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ) (الأعراف: ۹۵)

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (الأعراف: ۹۶)

(أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ) (الأعراف: ۹۷) زمخشری گفته که در جمله اعتراضیه ۷ جمله، وجود دارد و جمله (أفأمن) را معطوف بر (فأخذناهم) پنداشته است و کسی که جمله و کلام را مترادف هم می دانسته، این جمله اعتراضیه را ۴ جمله دانسته و از (لو أن) تا (الارض) را یک جمله حساب کرده زیرا با تمام آن فایده حاصل شده است.<sup>۱</sup>

۱. الانصاری، جمال الدین ابن هشام، مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، تحقیق الدكتور مازن المبارک و محمد

علی حمد الله، ج یک، ۱۹۸۵ م، ص ۴۹۱-۴۹۰